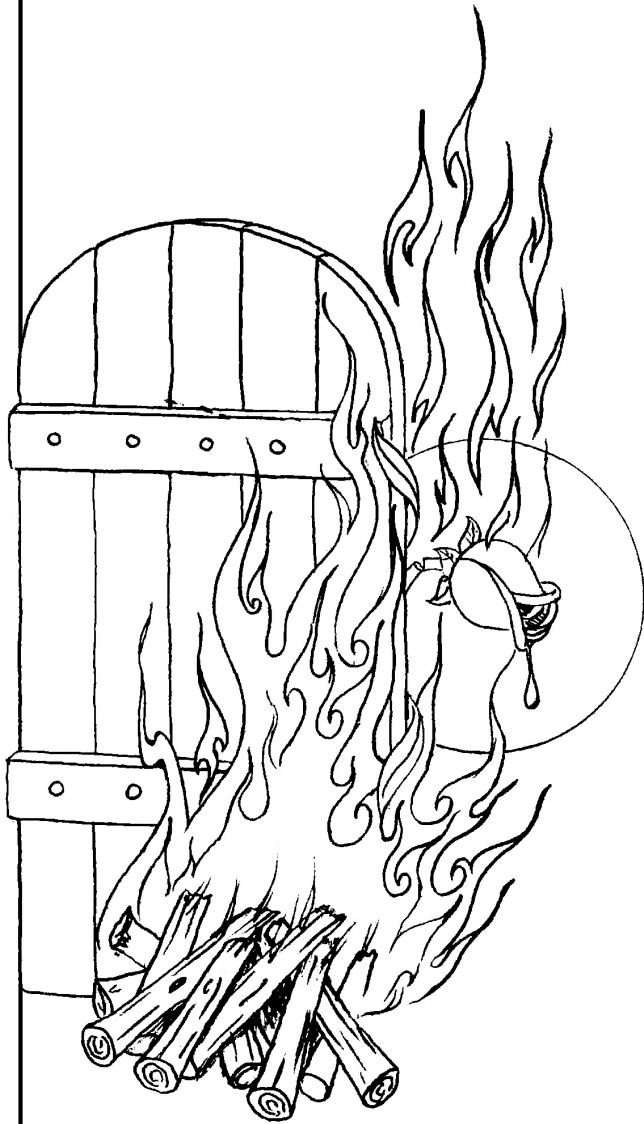


پرستوی

مهاجر



ای همی تکیه‌گاه من، چادرت سر پناه من
چه به حالت گذشته‌ای، مادر بی‌گناه من

(از همی دنیا دلگیری ای قامت خمیده
چشم‌هایت را می‌بندی که وقت پروازت رسیده) ۲

بمان به خاطر حسن علیه السلام، نفس نفس نزن، تو چشم‌هایت را نبند
نرو به خاطر حسین علیه السلام، میان بسترت، به دخترت بخند

(مرو... یا فاطمه علیها السلام مرو) ۶

همسرت با خبر شده، که زمان سفر شده
جان زینب بگو چرا، قامتت مختصر شده

(از آن زمانی که دستت را بر پهلو گرفتی
تا لحظه‌ی آخر در خانه از ما رو گرفتی) ۲

بمان مسافر علی علیه السلام، به خاطر علی علیه السلام، بیانا نرو سفر
نرو، علی علیه السلام ز داغ تو دلش شکستهای، شکسته بال و پر

(مرو... یا فاطمه علیها السلام مرو) ۶



آبان ۱۴۰۱

دبستان علوی (۱)

نام و نام خانوادگی:

کلاس دوم: